

# ترانی یا الہی مَجْباً بوجہی علی التراب صعباً من تجلی الأنوار ...

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالہاء - بر اساس نسخہ موجود در "کتابخانہ آثار بہائی" در مرکز جہانی بہائی

- شماره ۹۸۷

طهران

شاه آبادی  
سلطان آباد

حسن

آقا

خلج آباد

جناب

شاه آباد

بواسطه

احبای الہی علیہم بہاء اللہ الہی

ترانی یا الہی مَجْباً بوجہی علی التراب صعباً من تجلی الأنوار مندهشاً من مشاهدة الآثار مغماً علیہ من اشتداد الافتتان المتراکمة من کلّ الأقطار متذلاً منکسراً الی ملکوت الأسرار متأجج الضلوع و الأحشاء من النار الموقدة فی البقعة الأنوار مع ذلك انسانی نفسی و روحی و شتونی بما شعفونی حبّ الأبرار و امتلاً قلبی و سرری فی عروق حبّ الأخیار سریان الروح فی العروق و الشریان و اناجیک فی جنح اللیالی و خلال النهار و بجوحة الغدو و الآصال و ارجوک ان تمدّهم بامداداتک الفائقة و عنایتک السابقة و موهبتک اللاحقة و تنبت الأباہر و القوادم فی اجنحتهم النسیلة حتی یطیروا الی اوج عظمتک السامیة و فضاء عزّتک العالیة و ینشروا بألطفک الباقیة و ینسنبیروا بأنوارک الساطعة ربّ انلهم کأساً کان مزاجها کافورا و اجعل لهم من عین التّسنیم نصیباً موفورا و اخرج لهم کتاباً یلقوه منشورا و اعقد لهم لواءً منصورا و ابن لهم عند عرشک العظیم بیتاً معمورا و اجعل کلّ واحد منهم سیداً و حصورا حتی ینشروا آثارک فی الآفاق و یظہروا انوارک فی امّ العراق و یعلوا کلّمتک الی ملکوت الاشراق و تتوقّد نار محبتک فی قلوب اهل الاشتیاق و ینخدر الدموع علی الخدود کالسّیول من الآماق ربّ انعم صباحهم و انر مصباحهم و املاً اقداحهم و ریح ارواحهم انک انت المقتدر العزیز الوهاب و انک انت الکریم اللطیف البرّ الرؤوف المنان

ای یاران عبدالہاء قوہ اشراق از نیر آفاق شرق و غرب را بحرکت آورده عالم آفرینش آرایش یافته و خلق جدید گردیده ندای سبحان ربّی الہی از خاور بلند شده و آہنگ یاہباء الہی از باختر گوش زد ہر ہوشمند گشتہ السن جمیع ملل بذکر اسم اعظم ناطق و بظہور جمال قدم مخبر قومی در نہایت سرور مستبشر و حزبی در موارد آثار متحیر و جمعی غافل و منکر در ہر انجمن ذکر اسم اعظم متداول و این بشارات از ملکوت آیات در عروق و شریان امکان متواصل پس یاران الہی و احبای حقیقی و دوستان معنوی باید شب و روز گلبانگ یابشری و یاطوبی باوج اثر رسانند زیرا آن نفوس مستشرق از مجلی طور گشتند و لمعہ نور مشاهده نمودند و نصیب موفور بردند و بشکرانہ این الطاف باید دمبدم آہنگ



ORIGINAL

جدید بلند کنند و مانند نهنگ دریای محبت الله بجوش و خروش آیند تا بقوه کلمه الله المطاعه خطه غبرا جنت ابهی گردد و روی زمین بهشت برین شود و طاوس علیین شهر تقدیس گشاید و در کمال تزیین جلوه فرماید ظهور این موهبت بخلوص یارانست و انجذاب دوستان و فرح و مسرت وجدان چندیست که نعمات ورقا از آن ایکه بقا بسایر بلدان نرسیده بلبل گلشن توحید را گلبانگ ربانی لازم و ستاره فجر تقدیس را سطوع نور آسمانی واجب شمع افروخته روشن است و پروانه سوخته شاهد هر انجمن یاران را جذب و وله لازم و دوستان را وجد و طرب واجب سمع عبدالهآء دائماً مترصد تا از چه اقلیمی الحان بدیع رسد و از چه کشوری نعمات جانپور مسموع آید اگر سرور این دل و جان را خواهید چنان نغمه و آوازی بلند کنید که اهل ملاء اعلی باهتزاز آیند و سگان ملکوت ابهی همدم و همراز گردند و علیکم التّحیة و الثّناء